



## مولفه‌های هویت ملی ایرانی اسلامی با نقدی بر نظرات میرزا ملکم خان سید محمد کاظم نبوی، محمدرضا حاتمی<sup>۱</sup>، احمد بخشایش اردستانی<sup>۲</sup>

### چکیده:

دولت‌ها برای حفظ یکپارچگی کشور موظف هستند ضمن شناسایی بحران هویت، مولفه‌های سازنده هویت ملی را در مردم تقویت کنند، در این تحقیق ریشه‌های این بحران در آرا و نوشته‌های میرزا ملکم خان با استفاده از روش هرمنوتیک اسکینر و با مطالعه متون شناسایی شد. نتایج مبین این است که هویت ملی دارای سه ستون اصلی، هویت دینی، هویت ایرانی و ملی، آزادی یا مردمسالاری است و تضاد و توجه به یکی و بی‌توجهی به سایر ارکان موجب به وجود آمدن بحران هویت در دوران مختلف شده است. می‌توان تجلی هویت ملی را در شعار استقلال آزادی و جمهوری اسلامی دید، استقلال مبین هویت ملی و ایرانی، آزادی نشان دهنده مردمسالاری و جمهوری اسلامی نشان دهنده هویت مذهبی ایرانیان است. توجه ناقص به یک یا دو بعد از این ابعاد بدون توجه به بعدهای دیگر موجب به وجود آمدن بحران هویت در طول تاریخ معاصر ایران شده است.

**واژگان اصلی:** بحران هویت، هویت ملی، میرزا ملکم خان.

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
m.hatami@pnu.ir
۲. استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
۳. استاد گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

## مقدمه

توسعه هویت را مجموعه‌ای از نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیاتی دانسته‌اند که موجب تمایز خود از دیگری می‌شود. انسان با هویت و نوع معرفت‌شناسی‌اش به هستی می‌نگرد، بحران هویت آنگاه رخ می‌دهد که این جهان‌بینی تغییر کند و فرهنگ و تمدن غیر، در آن رسوخ کند. (نجفی، ۱۳۹۳) هویت، کیستی و چیستی هر فرد، گروه، جامعه و ملت است. هویت از آن مقولاتی است که در زمان آشکار شدن مشکلات و چالش‌های اجتماعی-سیاسی اهمیت پیدا می‌کند و محتوای آن مورد پرسش قرار می‌گیرد (آپیا، ۲۰۰۵) در دسته بندی‌ای کلی دو نوع هویت را از هم جدا دانسته‌اند: نخست، هویت فردی یعنی همان چیزی که فرد را به واسطه ویژگی‌ها و خصوصیات یکه و منحصر به فرد او شناسایی و از دیگران متمایز می‌کند، و دوم هویت جمعی که عبارت است از تعلق خاطر تعدادی از افراد به امور مشترک. چنین تعلق موجب احساس همبستگی و شکل‌گیری واحد جمع می‌شود که به عنوان ما از ماهای دیگر جدا می‌شود. یکی از جامع‌ترین بخش‌های هویت جمعی، هویت ملی است (توسلی، قاسمی، ۱۳۸۳)، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ایران امروز دچار بیماری مزمن بحران هویت ملی شده است و این بحران تحت کنترل در نخواهد آمد مگر اینکه ابعاد هویت ملی مورد شناسایی قرار گیرد و در جهت قوام هویت این ابعاد تقویت شود. چرا که هویت ملی از مهم‌ترین مفاهیم عصر حاضر به شمار می‌رود (احمدپور، سراج زاده، ۱۳۹۸) ریشه‌های این بحران را می‌توان در آرا و نظریات روشنفکران دید و میرزاملکم خان از جمله این روشنفکران است که آشکار و نهان تحت تاثیر فرهنگ غرب بود. این پژوهش با استفاده از مطالعه متون و آرا و نظریات میرزاملکم خان به عنوان یک متفکر جریان روشنفکری ابعاد هویت ملی را بررسی و دلایل بحران در هویت ملی را بیان می‌دارد.

هویت ملی یکی از رکن‌های وحدت و انسجام ملی است. دولت‌ها برای حفظ کیان کشور خود را موظف به تقویت مولفه‌های هویت ساز ملی در آحاد ملت می‌دانند (کریمی و فاضلی، ۱۴۰۰) تاثیر بسیار هویت ملی بر حوزه‌های اجتماعی-سیاسی موجب اهمیت این نوع هویت نسبت به سایر انواع هویت مانند هویت فردی شده است (زهیری، ۱۳۹۴). تزلزل هویت ملی و ایجاد بحران در مفهوم این هویت پایه‌های همبستگی و انسجام ملی را ضعیف می‌کند و در نهایت امنیت ملی را با چالش‌های مختلفی مواجه می‌کند (داوودی، ملکی، ۱۳۹۳) چرا که هویت ملی خودآگاهی مشترک یک ملت است (پژوهش نیا، جعفری، ۱۴۰۰)

<sup>1</sup>National-identity

## مولفه‌های هویت ملی

با وجود دیدگاه‌های مختلف درباره هویت ملی می‌توان مولفه‌هایی نظیر سرزمین، تاریخ، دین، فرهنگ، زبان و ادبیات، ملیت، نظام سیاسی، اقتصاد واحد و سبک معیشت، اسطوره‌ها، اجتماع، حقوق و عرف و قوانین واحد، توانایی‌های ملی، الگوهای رفتاری و فکری را از مولفه‌های اصلی هویت ملی دانست (گودرزی، ۱۳۸۷) در نگاهی دیگر هویت ملی را مجموعه‌ای شناختی، اعتقادی و روانی دانسته‌اند که با تاثیرگذاری بر کنش‌های اجتماعی زمینه‌ساز همبستگی و انسجام در سطح ملت می‌شود. ابوالحسنی (۱۳۸۷)، این مولفه‌ها را در چند بعد دسته‌بندی کرده است

### ۱. بعد اجتماعی

بعد اجتماعی هویت ملی در ارتباط با کیفیت روابط اجتماعی فرد با نظام تمدن اجتماعی است.

### ۲. بعد تاریخی

بعد تاریخی هویت ملی عبارت است از آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دلبستگی به آن و احساس هویت تاریخی است.

### ۳. بعد جغرافیایی

محیط جغرافیایی تبلور فیزیکی و عینی، ملموس و مشهود هویت ملی است. برای شکل‌گیری هویت ملی، تعیین محدوده و قلمرو یک سرزمین مشخص ضرورت دارد.

### ۴. بعد فرهنگی

مقصود از فرهنگ مجموعه ذهنی و روانی مشترکی است شامل ارزش‌ها، هنجارها، نمادها، اعتقادات و احساسات و رویکردهایی است که در زمینه خانواده، اقتصاد و سیاست، مذهب، جامعه پذیری و تفریحات در بین مردم یک جامعه به صورت وجدان جمعی درآمده است

### ۵. بعد سیاسی

عشق و علاقه قلبی به یک سیستم سیاسی و مبانی ارزشی و مشروعیت آن عامل عمده‌ای در تقویت همبستگی و پیوند ملی خواهد بود.

### ۶. بعد دینی

دین مهم‌ترین منبع برای هویت و معنا بخشی است چرا که به پرسش‌های بنیادین پاسخ می‌دهد

(زهیری، ۱۳۸۴)

## هویت ملی، آغاز بحران‌زا

مفهوم هویت ملی ایران عملاً پس از دوران مشروطه به وجود آمده است. در واقع تحولات تاریخی هسته اصلی شکل‌گیری هویت ملی را شکل می‌دهند. سرگذشت تاریخی هر ملتی را می‌توان مهم‌ترین عامل شکل‌دهی هویت ملی قلمداد کرد. (عسگری و همکاران، ۱۴۰۱)

شکل‌گیری دولت مدرن در ایران تحت تاثیر اروپا و مخصوصاً فرانسه، با انقلاب مشروطه نسج گرفت که همراه شد با تلاش برای برپایی نهادهای نوین اداری، نظامی و آموزشی در دوران پهلوی اول. (نجفی، ۱۳۹۳) تاریخ معاصر ایران را می‌توان تاریخ معضل هویت ایرانیان به شمار آورد. زیرا از دوران قاجار به بعد و به ویژه در نهضت مشروطیت، هویت ایرانیان تحت تاثیر ورود اندیشه‌های جدید غربی و رشد ملی‌گرایی با مشکلات و بحران‌های مهمی رو به رو شد. تا سال‌های آغازین ورود مدرنیته غربی به ایران، میان اسلام و عناصر هویتی ایرانیان، تضاد و تناقضی احساس نمی‌شد اما با ورود مدرنیته به ایران و عقب‌ماندگی مشهود در مقام مقایسه با جهان غرب، گروهی از روشنفکران در پی یافتن پاسخ به چرایی عقب‌ماندگی، اسلام را عامل نابسامانی جامعه ایرانی تلقی کردند. از این رو در عصر مشروطه و بعدها پهلوی نوعی بازگشت تاریخ ایران پیش از اسلام شکل گرفت که از آن با عنوان جریان باستان‌گرایی یاد می‌شود. این جریان اگرچه از پایگاه اجتماعی لازم برخوردار نشد و به قشر روشنفکران محدود شد اما به دلیل پیوندی که به خصوص در دوران پهلوی با قدرت پیدا کرد به تدریج نقش پررنگی در سیاست‌گذاری فرهنگی یافت. از نظر این جریان فکری، اسلام عنصری بیگانه و تحمیلی تلقی می‌شد که ایران و جامعه ایرانی را از گذشته پر شکوه و خلوص نژادی جدا کرده و به وضعیت زبونی دچار ساخته است. پس اولین گام در جهت پیشرفت را زدودن اسلام از هویت ایرانیان و بازگشت به میراث پر شکوه گذشته دانستند (سلیمانی و آزرمی، ۱۳۹۶) بسیاری از پژوهشگران معاصر معتقد هستند که بحران هویتی ایران برای نخستین بار در دوران قاجار و مخصوصاً در پایان سلسله قاجاریه و پس از جنگ‌های ایران و روسیه رخ داد. نتیجه این شکست‌ها منجر به شناخت ضعف‌های علمی و سیاسی در ایران و در نتیجه فرستادن دانشجویان به غرب برای کسب علوم نوین و جبران عقب‌ماندگی‌ها شد. نخستین برخورد دانشجویان با غرب موجب ایجاد مشکل هویت در ایران شد. واکنش متفکران در برابر فرهنگ و تمدن جدید یکسان نبود. برخی ظواهر و فرهنگ غرب را پذیرفتند و در مقابل پدیده‌های جدید حالت انفعال داشتند. این گروه راه نجات را در تبری از فرهنگ و هویت ایرانی می‌دانستند. میرزاملکم خان، آخوندزاده و تقی زاده از جمله متفکرانی بودند که این تلقی را داشتند. ایشان توسعه

اجتماعی ایرانیان را مستلزم آن می‌دانستند که هویت و فرهنگ و ادبیات و خط و زبان و سنن خویش را کنار بگذاریم و به تقلید و اقتباس از غرب بپردازیم. در مقابل این دیدگاه، دیدگاهی وجود داشت که به تبادل میان دو فرهنگ اعتقاد داشت و بنا بود که دلایل عقب ماندگی را دریابد. این تلقی بر شناخت عوامل بر هم زنده سنت و عوامل موجب بحران هویت تاکید داشت و برای حفظ هویت ملی بر سنت‌ها تاکید داشت. این دیدگاه نوعی خودآگاهی بود که بر تداوم سنت و فرهنگ و هویت تاکید می‌کرد. در مقابل این دو دیدگاه، دیدگاه دیگری هم وجود داشت که به فرایند مدرن شدن به طور مثبت می‌نگریست و آن را مرحله‌ای از کمال و تکامل تلقی می‌کرد. این دیدگاه هویت ملی را دارای عناصر سه گانه، باستانی، مذهبی و غربی می‌دانست. باید گفت که در دوران مشروطه کوشش در خور توجهی در امر تاسیس هویت ملی به عنوان جزء لازم پروژه ایجاد دولت ملی به عمل آمد. البته انقلاب مشروطه بر هویت ملی ایرانی دو تاثیر گذاشت که به نوعی ایرانیان را با بحران هویت مواجه ساخت. یکی از بین بردن مشروعیّت عرفی سلطان بود. در دوران مشروطه سلطنت فاقد مشروعیّت عرفی شد و اعتباری را که در گذشته داشت از دست داد. دومین رخداد در دوران مشروطه متزلزل شدن جایگاه متعالی دین بود. بنابراین در این دوران بحرانی، هویت ایرانیان متشکل از عناصری پراکنده از قبیل دین، نظام پادشاهی و مدرنیته یا به عبارتی ایرانیت، اسلامیت و مدرنیته غربی بود. (آشنا، ۱۳۸۸) بخش مهمی از روشنفکران عصر مشروطه تحکیم هویت و وحدت ملی را به معنای محو تمایزات و گروه‌بندی‌های قومی، زبانی و مذهبی و یکسان سازی و زبان و فرهنگ مردم ایران تعریف می‌کردند. (خرمشاد، کلاتر و صوتی، ۱۳۹۷)

### میرزا ملکم خان

میرزا ملکم خان معروف به ناظم الدوله، سیاستمدار، اندیشمند و نویسنده و روزنامه نگار همین دوران بود. میرزا ملکم خان معروف به پرنس در سال ۱۲۴۹ هـ ق در اصفهان به دنیا آمد، پدرش میرزا یعقوب از ارامنه جلفای اصفهان بود که دینش را تغییر داد و مسلمان شد وی به دلیل آشنایی با زبان فرانسه جذب سفارت‌خانه‌های فرانسه و روسیه شد و با توجه به نفوذی که در دستگاه آقاخان نوری داشت توانست پسرش ملکم خان را به پاریس بفرستد. ملکم خان در این دوران به مطالعه علوم طبیعی و سپس مسائل سیاسی پرداخت. او را اولین مؤسس فراماسونری در ایران دانسته‌اند. ملکم خان در سال ۱۲۶۸ هـ ق به ایران بازگشت و فراموشخانه تاسیس کرد. ملکم خان موجب شده است که اکثر نویسندگان هم فکر او ضمن ستایش هوش و درایت عقلی‌اش، سودجویی و فرصت طلبی او را تقبیح کنند. از شصت و چهار سال زندگی ملکم خان فقط حدود ده سال آن در ایران گذشت

که آن هم به طور مداوم نبود. او هر چند تا زمانی که در اروپا بود در جریان امور ایران قرار داشت ولی اهتمامش به این موارد همیشه با جدیت عجین نبود و از دور به ایران نگاه می‌کرد و رابطه‌اش با ایران بیشتر از لحاظ مصالح شخصی بود تا اصلاحات. (علی قنبری، طاهریان و اعتمادی بزرگ، ۱۳۹۳)

### روش و ابزار

روش اسکینر در ردیف روش‌های هرمنوتیکی مؤلف‌محور قرار دارد؛ روش‌هایی که معنای متن را همان قصد و نیت مؤلف می‌دانند و معتقدند که برای رسیدن به معنای متن باید مراد مؤلف آن‌را درک کرد. اسکینر با به‌کار بردن این روش می‌نویسد: «بخشی از فهم معنای این اندرز منوط به فهم معنای گفتاری آن، یعنی مفهوم دلالت کلمات به‌کار برده‌شده در آن است، اما مسأله مهم‌تر که ضرورت دارد انجام شود این است که منظور ماکیاولی از این ایده چیست و وی چرا آن‌را نوشته است» (اسکینر، ۱۳۷۲). با این شیوه، اسکینر نیز در شمار کسانی قرار می‌گیرد که برای رسیدن به معنای متن در صدد کشف قصد مؤلف هستند و به همین جهت وی روش‌های مبتنی بر قرائت متن را نمی‌پذیرد. متدولوژی قرائت متنی مبتنی بر این است که هر متنی اگر به اندازه کافی مورد تأمل قرار گیرد معنا و پیام خود را ارایه می‌دهد و نباید به دنبال فهم نیات و انگیزه‌های مؤلف بود و حتی دخیل کردن این‌گونه موضوعات ممکن است که معنای اصلی متن را خدشه‌دار کند. اسکینر این استدلال را رد می‌کند و معتقد است که به‌کار بردن این روش، انسان را به صورت اجتناب‌ناپذیری در معرض سقوط در انواع مختلف ابهامات و اشکالات قرار می‌دهد که وی از آن‌ها تحت عنوان «اسطوره‌شناسی‌های مختلف» یاد می‌کند (مرتضوی، ۱۳۸۳) بنابراین از نظر اسکینر فهم جملات و عبارات یک متن بدون دستیابی به نیات و انگیزه‌های نویسنده و جدای از زمینه‌های اجتماعی و شرایط تاریخی شکل‌گیری آن و نیز جدای از زمینه‌ی کلی زبانی و فکری حاکم بر دوره‌ی نگارش آن هرگز فهمی صحیح و کامل نخواهد بود.

نکته‌ی اصلی متدولوژی اسکینر این است که وی میان «قصد برای انجام یک کار» و «قصد در حال انجام آن» تمایز قایل می‌شود و معتقد است برای فهم معنای یک متن دستیابی به قصد مؤلف برای انجام آن کافی نیست، بلکه باید قصد مؤلف را در حال نوشتن آن متن نیز بیابیم. بنابراین، از نظر وی ما در فرایند فهم معنای متن به دنبال کشف انگیزه‌های آگاهانه‌ای که از ذهن عامل گذشته نیستیم، بلکه با قرار دادن متن در زمینه‌ی گسترده‌تر به دنبال قصدیت موجود در خود عمل و رمزگشایی از

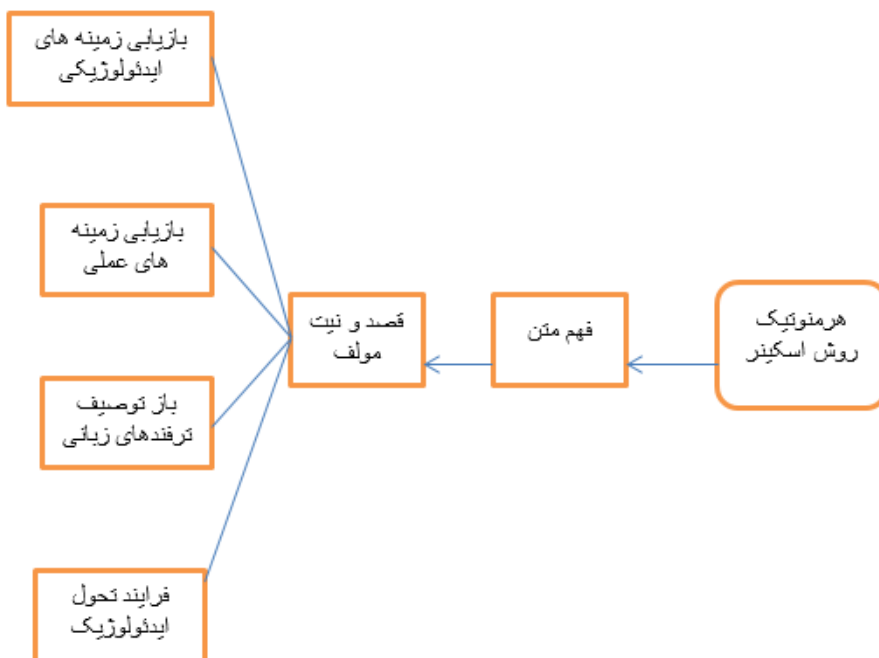
این هستیم که عامل با رفتار کردن به شیوه‌ای خاص چه کرده است و در صدد بیان چه چیزی بوده است. این تمایز میان قصد و انگیزه‌ی مقدم بر عمل، با قصد موجود در حین عمل که توسط اسکینر انجام گرفته است، در نتیجه‌ی پیروی از نظریه‌ی خاص «کنش زبانی» بسط یافته توسط آوستین، سرل و گریس بوده که در چارچوب کلی کاربردشناسی زبان‌شناختی ویتگنشتاین مطرح شده است. (حقیقت، ۱۳۷۸) اسکینر معتقد است که برای رسیدن به این امر، پژوهش‌گر باید به دو سؤال اساسی پاسخ دهد:

۱- نویسنده در نوشتن متن، نسبت به متون دیگر که زمینه‌ی ایدئولوژیک را تشکیل می‌دهند، چه کاری انجام می‌دهد یا انجام می‌داده است؟

۲- نویسنده در نوشتن یک متن، نسبت به کنش سیاسی در دسترس و مورد بحث که زمینه‌ی عملی را تشکیل می‌دهد، چه کاری انجام می‌دهد یا انجام می‌داده است؟

برای پاسخ به سؤال اول باید زبان خاص موجود در دوره‌ی نگارش متن و معانی و مفاهیم و گزاره‌های آن زمان را که هر نویسنده‌ای با استفاده از آن‌ها اقدام به نگارش می‌کند شناخت، زیرا متن به‌عنوان تجسم یک عمل ارتباطی قصدشده در یک فضای فکری خاصی نوشته شده است که در آن فضا مجموعه مفاهیم و معانی خاصی در دسترس نویسنده بوده و لذا برای فهم متن باید این فضا را بازسازی نمود و تنها با بازسازی این زمینه‌ی ایدئولوژیک و قرار دادن متن در آن است که می‌توان معنای آن‌را دریافت. منظور از زمینه‌ی زبان‌شناختی یا ایدئولوژیک، مجموعه‌ای از متون نوشته‌شده یا رایج در آن زمان می‌باشد که اسکینر از آن با اصطلاح «هنجار مرسوم» یاد می‌کند. توجیه قرار دادن متن در زمینه‌ی هنجار مرسوم آن، این است که کنش زبانی همانند دیگر کنش‌های اجتماعی با هنجار مرسوم مرتبط است و از این رو معنای آن تنها از طریق توجه به آن هنجارهای مرسوم است که قابل فهم می‌باشد (تولی، ۱۳۸۳) به‌طورکلی از آن‌جا که اسکینر خود پژوهش‌گری برجسته در رشته علوم انسانی به ویژه در حوزه‌ی تاریخ اندیشه‌های سیاسی و فلسفی در دوران مدرن بوده و متدلوژی وی در این حوزه شکل گرفته و در همین حوزه نیز عملاً و به‌طور عینی به‌کار گرفته شده است، ضرورت پرداختن به این متدلوژی و توجه به نکات مهم و مؤثر آن در پژوهش‌های تاریخی، فلسفی و اندیشه‌شناسانه با اهمیت به نظر می‌رسد. به عبارتی اسکینر در کشف معنای واقعی متن، کشف نیات مولف در تالیف را هم مهم می‌داند و برای دریافتشان به بررسی زمینه‌های عملی و ایدئولوژیکی زمان نگارش آن توجه می‌کند و برای کشف نیت مولف، مشکلات، پرسش‌های سیاسی مطرح شده در آن

دوره، زبان خاص آن دوره، عرف و اصول و قواعد مسلط به استدلال‌های سیاسی آن دوره باید شناسایی شود. بر این مبنای اسکینر نتیجه‌گیری کرد که هویت تاریخی یک متن مساوی است با نیت مولف در نگارش آن (گودهارت،<sup>۱</sup> ۲۰۱۰) می‌توان فرایند و مراحل روش او را در فهم موضوع مولف در شکل زیر خلاصه کرد (اسدی کویچی، رهبر، ۱۴۰۰)



شکل ۱: هرمنوتیک، روش اسکینر

به دیگر سخن می‌توان گفت که هرمنوتیک اسکینر بر فهم سه موضوع اساسی استوار دانست به این معنی که قصد نویسنده را می‌توان با دو بحث فهم آثار و متون و فهم زمینه‌های تاریخی، و سیاسی بازنمایی کرد (عرفان و همکاران، ۱۴۰۱)

<sup>1</sup> Goodhart



شکل ۲: فهم سه موضوع در هرمنوتیک اسکینر

#### پیشینه پژوهش

نوازی، هرسیچ و عضوی (۱۴۰۱) در تحقیقی کمی-کیفی با بهره‌گیری از روش سناریونگاری شوارتز، با عنوان «طراحی سناریوهای خروج از چالش هویت در ایران (۱۴۰۰-۱۴۰۱) پنج عدم قطعیت کلیدی در ارتباط با چالش هویت در ایران را شناسایی کردند، تحول رسانه‌ای، تساهل و مدارا، تحول نظام آموزشی کشور، فرهنگ سیاسی و توسعه و کارآمدی. ایشان سناریوی غالب را تداوم وضع موجود و تشدید چالش هویت یافته‌اند.

نظری مقدم (۱۴۰۱) مدارا و تساهل مذهبی ایرانیان را در مواجهه با اقلیت‌های دینی یکی از شاخص‌های هویت ملی ایرانیان دانسته است اما بحران هویت ملی را چندان مورد توجه قرار نداده و به سایر شاخص‌های هویت بخش هم بی‌توجه بوده است.

ذاکری و شیروانی شیرینی (۱۴۰۱) در تحقیقی با عنوان «تحلیل محتوای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر مبنای مولفه‌های هویت آفرین اسلامی-ایرانی» ۲۴ مولفه اصلی هویت آفرین اسلامی-ایرانی را در این بیانیه شناسایی کرده‌اند شامل: اقتدار، کارایی، تعهد، آگاهی، تداوم و جهت مندی و... و تأکید اصلی رهبر معظم انقلاب اسلامی را در درجه اول بر ایجاد بینش و بصیرت در آحاد ملت و به ویژه نسل جوان یافته‌اند. در این تحقیق مولفه‌های هویت آفرین و کلی بیان شده است و راه‌کار عملی برای جلوگیری از بحران هویت و حتی مدلی جامع برای هویت ملی ارائه نشده است و در حد بیان مفاهیمی باقی مانده است.

مرادی و خان محمدی (۱۳۹۹)، در تحقیق با نام بررسی وضعیت دینداری جوانان شهر سرپل ذهاب و برخی عوامل مرتبط با آن، به این نتیجه رسیدند سه متغیر سرمایه اجتماعی و هویت ملی و هویت قومی ارتباط مستقیم و معنا داری با میزان دینداری دارند. در این تحقیق هم معلوم نشده است هویت ملی چیست و تنها به موضوع دینداری پرداخته است و جنبه‌های ملی میهنی را یا ندیده گرفته و یا به طور ضمنی آن را با هویت قومی در تعارض یافته است.

خان محمدی و کاوه (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان تاثیر رسانه‌های غربی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از طریق بحران هویت به این نتیجه رسیدند که رسانه‌های بیگانه با هدف قرار دادن ارزش‌ها و باورهای مردمی به عنوان مهم‌ترین مولفه‌های هویتی، امنیت ملی را در معرض آسیب قرار داده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که رسانه‌های غربی با القای ارزش‌هایی معایر با ارزش‌های اسلامی و انقلابی موجبات بحران هویت در سه سطح فردی، اجتماعی و ساختار قدرت شده‌اند و از این طریق امنیت ملی ایران را تهدید می‌کنند، این محققین نقش رسانه را پررنگ‌تر از آن چه هست دانسته‌اند و به این اشاره کرده‌اند که رسانه شکاف‌های موجود را تشدید و تعمیق می‌کند، اما بیان نمی‌کند که این شکاف‌ها در هویت ملی چه‌گونه به وجود آمده است؟

هارتگن و اپفینگر (۲۰۱۲) نشان داده‌اند که ارتباط بین هویت ملی و تنوع دینی منفی و معکوس است، در واقع تنوع دینی به همراه احساس نداشتن تجانس به صورت مانعی بر ساخت هویت عمومی مشترک عمل می‌کند. این محقق نقش دین را در هویت مهم دانسته است اما باید گفت که دین در کشورهای غرب آسیا پیشینه تاریخی و ملی هم دارند و با ملیت عجین شده‌اند به همین دلیل جنبه ملی-مذهبی دارند.

### یافته‌ها

ملکم خان در بسیاری از نوشته‌های خود بر عقب ماندگی ایران اشاره کرده و به ریشه‌یابی علل آن پرداخته است او مجموع عواملی را موجبات عقب ماندگی ایران می‌داند.

- نقص در ترکیب دولت
- عدم تفکیک قوای قانون‌گذاری و اجرایی
- نداشتن هدف و برنامه
- نداشتن هوش و فهم طبیعی مملکت داری شاهان و درباریان قاجار

- تملق، رشوه گرفتن درباریان و دست اندرکاران

- بیگانه هراسی

- سیاق الفبای فارسی

- نبود امنیت و به خصوص امنیت ملی (فدایی مهربانی، معینی، ۱۳۹۶)

- بی‌سوادی و عدم ترویج علوم (طاهری مقدم، بوچانی، ۱۳۹۴)

- تعصبات دینی (رحمانیان، ۱۳۸۲)

ملکم خان میان گسترش قانون و پیشرفت غرب ارتباط برقرار می‌کرد. او قانون و قانون‌گرایی را مهم‌ترین بستر پیشرفت و تحول در ایران می‌دانست و بر تفکیک قوا تاکید داشت و راه برون رفت از این وضع را پیروی از غرب می‌دانست. ملکم خان با نگاهی اثبات‌گرا، اصول پیشرفت غرب را جهانشمول می‌انگارد. اما برداشت او به دلایل مختلف از عقب ماندگی ایران فاقد جنبه‌های تاریخی است و راهکارهایی که برای برون رفت از این وضع پیشنهاد می‌دهد بدون در نظر گرفتن بسترهای فرهنگی، تاریخی و ساختارهای سیاسی است. (فدایی مهربانی، معینی، ۱۳۹۶) اشتباه ملکم خان را می‌توان در توجه به یک بعد از هویت ملی و بی‌توجهی به سایر ابعاد هویت ملی جست‌وجو کرد. مسیری که سایر روشنفکران هم به نوعی آن را پیموده‌اند. از این نظر می‌تواند نظر ملکم خان را در طول دوران هنوز عصاره نگاه روشنفکران غربگرا به مبحث هویت ملی دانست.

اما به طور کلی می‌توان نظریه‌های درباره هویت ملی ایرانیان را به سه دسته تقسیم کرد (نجفی، ۱۳۹۳)

۱. نظریه‌های مربوط به ایران باستان: این نظریات در قالب نظریه‌های نژادپرستانه هویت، عظم‌ن و مجد ایران را به قبل از اسلام نسبت می‌دهد. عده‌ای از نظریه پردازان این پروه برانند که ایرانی‌ها آریایی هستند که نمی‌خواستند زیر بار سامی‌ها بروند.

۲. نظریه‌های تلفیقی میان اسلام و ایران: در این نظریات بین هویت اسلامی و ایرانی پیوندی برقرار شده است و نوعی بازگشت به خویشتن هم در آنها دیده می‌شود

۳. نظریه‌های موافق با هویت نتکثر ایرانیان: در این نظریات از اسلام، ایران غرب استفاده شده برای ایرانیان نوعی هویت موزاییکی یا رودخانه‌ای قابل می‌وند. صاحبان این نظریه بر این باور هستند که اسلام‌گرایی نمی‌تواند هویت قومی، مذهبی و ملی مردم ایران را پوشش دهد و برای هویت‌یابی مجدد لازم است با مشارکت سیاسی جناح‌های مختلف به سمت نوعی پلورالیسم حرکت کنیم.

میرزا ملکم خان ترقی ملت را وابسته به ترویج علوم می‌دید و تحصیل علوم را منوط به سواد می‌دانست و سواد را مبداء جمیع تحصیلات و مفتاح کل ترقیات دنیا تلقی می‌کرد. بر همین اساس، قدرت غرب را در باسواد بودن عموم مردمش و ضعف ملل عقب مانده را در بی‌سوادی می‌دانست و بر آن بود که علت بی‌سوادی در ملل اسلامی به سبب مشکل بودن خط و الفباست (اصیل ۱۳۸۱: ۴۱۸) بدون توجه به اینکه بارزترین نیاز بشر در زندگی اجتماعی تعامل با هم نوعان خود است و زبان و خط یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباطی موجود در اجتماعات بشری محسوب می‌شود و یکی از نهادهای نیادین جامعه و از عناصر بسیار مهم در فرهنگ و اجتماع است زبان در تار و پود زندگی فردی و اجتماعی ما تنیده شده است و هم چون رشته‌ای فرهنگی گذشته و حال را به هم پیوند می‌زد و از عناصر مهم ساخت هویت ملی است (باطنی، ۱۳۶۳)

### سه گانه، دین، ایران، مردمسالاری

الف: دین و رابطه آن با هویت ملی

دین در تمدن بشری و هویت بخشی به جامعه نقش اساسی دارد. هر چند دین نیز مانند زبان، نژاد، ادبیات، تاریخ... شاخه‌ای فرهنگی است ولی می‌توان دین را اولین منبع هویت بخشی جامعه به حساب آورد (منصور نژاد، ۱۳۸۵) دین یکی از مهم‌ترین عناصر هویت بخش است. قرآن کریم هویت انسانی را شامل سه عنصر اساسی می‌داد: اعتقاد، اخلاق و اعمال و این عناصر را از ارکان سازنده هویت انسان می‌شمرد. مجموع این عناصر سه گانه چهره ارتباط انسان با خدا را ترسیم می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۷۹) رابطه میان دین و هویت ملی یکی از مسائل پیچیده دنیای امروز است درحالی که برخس کشورها باور دارند که هویت ملی از هویت دینی تفکیک نشدنی است، کشورهایی م هستند که برای تبیین و ترسیم عناصر تشکیل دهنده هویت ملی، به عنصر دین به عنوان یکی از عناصر هویت ملی تاکید نمی‌کنند. تکیه هویت ملی بر گذشته تاریخی یک ملت و نادیده گرفتن بخشی از تاریخ با ایجاد تقابل میان دو بخش تنها مختص ایران نیست و کشوری مانند یونان هم دوگانگی را دارد. نظریه پردازان ملی گرای یونانی هم در تبیین هویت ملی یونان مدرن با دو گذشته مواجه بودند، یونان باستان و بیژانس مسیحی. در ایران و ادبیات تاریخ ایران تقسیم بندی دوره‌های تاریخی به ایران باستان و دوران اسلامی امری بدیهی و مسلم فرض شده است. رژیم شاه کوشیده بود باتبیین روایتی جعلی از ناسیونالیسم ایرانی مشروعیت رژیم استبدادی خود را با استفاده از تئلیث

پادشاهی خدا-شاه-ملت استقرار سازد. شگفت آنکه شاه خود را در محور این تئلیث قرار داده بود و پیوند دهنده میان آسمان و مردم. (مظفری، ۱۴۰۰)

ب: دوگانه فرهنگ ایرانی و دین

رژیم شاه در نظر داشت تا همبستگی اسلامی را با ناسیونالیسم ایرانی به عنوان مهم ترین نیروی وحدت بخش جایگزین کند، طبق این رویکرد تاریخ ایران به دو بخش تقسیم شد: ۱. دوران ایران باستان که دورانی پرافتخار بود و با حمله اعراب به ایران پایان یافت ۲. دوران تاریک اسلامی که حاکمیت بیگانه بر این سرزمین حاکم شد و تا قرن بیستم تداوم یافت. اما شهید مطهری در کتاب خدمات متقابل ایران و اسلام به مقوله اسلام و مسئله ملیت پرداخته و با تبیین جدایی ناپذیری دین اسلام از هویت ایرانی، رویکرد ایدئولوژیک رژیم شاه از ملیت ایرانی را مردود دانسته است و از «ملیت توحیدی» نام برده است. برابری انسانی و وحدت اسلامی مورد نظر دین اسلام با مفهوم ملیت و وحدت ملی منافاتی ندارد زیرا همان طور که وحدت خانواده بشری که مفهومی قرآنی است مستلزم نفی امت واحده اسلامی نیست، شکل گیزی امت واحده اسلامی نیز نباید به گونه ای تفسیر شود که با موجودیت کشورهای اسلامی در تعارض باشد. چنانکه وحدت و هویت ملی نایستی به گونه‌ای روایت شود که به انکار هویت‌های قوم و زبانی و مذهبی بیانجامد. (مظفری، ۱۴۰۰) قرار گرفتن در تقاطع ارزش‌های متعارض بستر بحران هویت را شکل می‌دهد. همین امر ممکن است نظام سیاسی را با مشکل مواجه کند. در جامعه‌ای مانند ایران که با وقوع انقلاب اسلامی حکومت و سیاست با نگاه دینی خود به عنوان مهم ترین عنصر هویت بخش اجتماعی افراد نقش آفرینی می‌کند هر گونه اختلال و آشفتگی در این نظام منجر به اختلال و آشفتگی و بحران‌های هویتی در در سطح ملی و فردی می‌کند. (الهی منش، مریدی، ۱۳۹۲)

۱. تحجر و خرافه گرایی: امام علی ع این گروه از مسلمانان را گروهی می‌داند که بزرگترین صدمات را به دین و جامعه دینی وارد می‌سازد. متأسفانه در جوامع دینی هستند دیندارانی که دین را به صورت قشری و ظاهری می‌بینند و منشا بزرگترین صدمات فرهنگی و اجتماعی تلقی می‌شوند. غفلت از باطن شریعت، اکتفا به ظاهر آن و مخالفت با اجتهاد پویا و بی‌وجهی به عنصر زمان و مکان علت اصلی تحجر و خرافه‌گرایی در دین است.
۲. توسعه نیافتگی و عقب ماندگی: توسعه یافتگی یک دولت و به ویژه یک دولت دینی در اینجاست تعلق به هویت ملی و دینی بسیار موثر است.

۳. اختلالات منابع هویت بخش: بازدهی مطلوب یک نظام سیاسی در ایجاد هویت ملی بسیار موثر است. ایجاد انسجام و هماهنگی میان منابع هویت بخش به حدی است که علاوه بر ارائه تصویری روشن از هویت شهروند مسلمان ایرانی می‌بایست سپهر معرفتی مشترکی نیز برای انسجام سیاسی ارائه کند.

۴. دولتی کردن دین و دین دولتی: دولتها بعضا پا را از نقش‌های معین و مشخص خود فراتر می‌گذارند و در کلیه امور فردی و اجتماعی اعضای جامعه دخل و تصرف و نظریه پردازی می‌کنند. بدین ترتیب اختلال و آشفتگی در سایر نقش‌های فعالیت‌های دولت به نقش هویت بخشی دینی افراد نیز سرایت کرده و آن را هم مخدوش می‌کند.

۵. اختلالات رفتاری در دولت‌ها: دوگانگی رفتار و عملکرد مسئولان، چالش‌های ناشی از فساد اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و اداری در ساختار نظام سیاسی و چالش‌های ناشی از فاصله گرفتن مسئولان از مردم و دنیا طلبی و تجمل‌گرایی متولیان امور از مصادیق اختلال رفتاری دولت‌های دینی است.

۶. سوء استفاده شخصی و حزبی از نمادهای دینی: شکی نیست که استفاده از قابلیت‌ها و نمادهای دینی در پیروزی انقلاب اسلامی و تحولات دهه اول ان نقش مهمی داشت. اما این قابلیت‌ها به مرور کم رنگ شد به نحوی که اعضای جامعه را به این نتیجه‌گیری رساند که این نمادها تنها ابزاری در دست گروه‌ها و احزاب هستند تا از طریق آن به منافع بعضا حزبی و شخصی و سوء استفاده از بیت المال برسند. سوء استفاده از این نمادها در نهایت موجب شده است که هویت ملی در تضاد با هویت دینی قرار گیرد.

۷. جدا دانستن دین از سیاست و سیاست از عقل برهانی: جوادی آملی (۱۳۷۹) بیان می‌کند که از منظر اسلامی خداوند دو حجت بر اسنان تعیین کرده است یکی بیرونی، یعنی پیروی از پیامبران و امامان و دیگری درونی که همان عقل و فطرت انسان است این دو حجت حقیقت آدمی را تبیین و هویت او را تعریف می‌کنند. پس اگر عقل حجت الهی بر آدمی استسر سپردن به حکم عقل و عمل نکردن به فتوای آن مخالف با حجت خداست و هم چون مخالفت با پیامبران و امامان عقاب الهی را در پی دارد.

ج: رابطه بین زبان فارسی و هویت ملی

فارسی در جایگاه زبان ملی نقش برجسته‌ای در پیوند گذشته، حال و آینده ایرانیان دارد و این امر

گواه نقشی تاریخی و سیاسی برای این زبان است. هر چند زبان فارسی امروزه با مشکلات و چالش‌های فراوانی رو به رو است که اگر شناسایی و برطرف نشود موجب خدشه به هویت ملی و ضربه به تدوام سنت ملی ایرانیان خواهد شد. زبان فارسی در زمره مهم‌ترین مولفه‌های هویت ملی ایران قرار دارد و حلقه پیوند دهنده هویت فرهنگی و ملی همه ملت ایران است. حفظ و حراست از زبان فارسی در کشور مسئله‌ای ملی است که عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در آن نقش دارند. زبان فارسی محصول نظم طبیعی فرهنگی و سیاسی جغرافیایی ایران بزرگ در طول سده‌هاست و به گفته اهل فن و شهادت تاریخ تمای ساکنان ایران زمین در پروراندن آن به یک اندازه سهم داشته‌اند. با پذیرش اهمیت زبان فارسی به عنوان میانجی ارتباط هویت‌های محلی قومی در سطح ملی و بین‌المللی از سوی شهروندان گامی موثر در جهت تثبیت منافع ملی برداشته می‌شود (رجبی، احمدوند، ۱۴۰۱)

د: مردمسالاری و نقش دولت‌ها و حکومت‌ها در تامین هویت ملی

تشکیل دولت و حکومت، عالی‌ترین مرحله تکامل جوامع پویاست دولت مهم‌ترین و پیچیده‌ترین و واپسین نهادهایی است که بر اثر رشد هماهنگ دیگر نهادها و سازمان‌های اجتماعی به وجود می‌آید و به منزله نهادی برتر مسئولیت دشوار هماهنگ‌سازی، هدایت و فرمانروایی غایی کلیه آن‌ها را بر عهده می‌گیرد. جامعه بدون دولت فاقد نیروی اسای حافظ نظم و مقررات موضوعه و قراردادهای دیگر اجتماعی است و به توده‌های پراکنده انسانی حق می‌دهد که در تفرد و پراکندگی زندگی کنند و مستوجب هر نوع مصیبت و عقوبتی بمانند. بنابراین در سبب تشکیل دولت و حکومت نقش جهت‌دهندگی اسای هویت انسانی می‌توان به شناسایی و مرزبندی حدود نفوذ عوامل زیر توجه داشت:

۱. نخستین ضابطه برقراری وجود مردمی است که سنگ پایه هر نوع تحول و تغییر تاریخی محسوب می‌شوند و هویت یابی آنها است که در کمال انسجام به چهره ملت منتهی می‌شود.
۲. وجود سرزمینی که حیات و هستی مشترک و زیستگاه عموم در آن صورت بندد و با تعیین حدود و مرزهای صریح تاریخی، حریم فعالیت و تکاپوی مشروع افراد یک جامعه را مشخص نماید و احساسات شریف تعلق به آب و خاک معین، هوا و فضای معین و دارایی‌ها و مشترکات معینی که هویت از تجمعین همه آن‌ها بر می‌خیزد ظهور بیابد
۳. شکل یابی قواعد و مقرراتی که مناسبات اجتماعی را در مقایس‌های فردی، گروهی و طبقاتی با یکدیگر تعیین و تسهیل کنند، زندگانی در نظم و امنیت بگذرد و اعتقاد به اصول عدالت و برابری

عمومی را ضروری بشمارد. (شعبانی، ۱۳۹۴، ۱۶۹-۱۷۰)

کارکرد دولت به صورت نهادی منضبط و مسلط بر دیگر سازمان‌ها و تاسیسات سیاسی-اجتماعی و... سبب شده است که نهادها و سازمان‌های بی‌شماری به وجود آیند که وظیفه هماهنگ سازی امور و احتیاجات جامعه را برعهده گیرند و براساس تساوی عمومی شهروندان، تکالیف و مسئولیت‌هایی را درک و عملی کنند. به منظور تامین بهداشت محیط و درمان بیماران، سازمان بهداری و بهزیستی شکل گرفته است. برای پاسداری از مرزهای کشور و نگاهبانی از وطن نیروی نظامی پدید آمده است و... ایران کانون و گرانیگاه تمدنی است که از قریب پنج هزار سال پیش شروع شده و کما بیش تا حال نیز ادامه پیدا کرده است. هویت ایرانی حول محوری تحقق پذیرفته که دی نو فرهنگ به جنبش در آورده است و پویایی این هر دو می‌توان انسان را نسبت به پیچیدگی‌های کنونی سیاست‌های جهانی بیدار و آگاه نگاه دارد و مجموعه اعتقاداتی را که موجب تدوام حیات هویتی ایرانی است و سرزندگی و شادابی و شفافیت روان اخلاقی او را حفظ می‌کند مورد حمایت قرار دهد. وضع آرمانی ایرانیان را به تصویر کشد و از مردمی سخت کوش و خوش قلب و مهربان عناصری سازنده و خلاق به ساحت جهانی عرضه کند. وجودا بیداری باشد که نظام پویای سیاسی را به تکان آورد و به ان توان تطابق با نیازهای روز جامعه جهانی شده ایران را ببخشد. هماله قداستی را که بر گرد دایره وجود است متبلور نگاه دارد و نه تنها برای انسان ایران بلکه جهانی که در انتظار تغییرات مثبت عملی است آرمان‌های بزرگ صلح و دوستی و همزیستی مسالمت آمیز را که در بطن تاریخ ایران نهفته به منصف ظهور برساند. (همان)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان نمادی برای تعریف هویت ملی، گرچه اسلام دال مرکزی هویت ملی اسلام است اما لاجرم به عناصر هویت ایرانی چون زبان ملی، نمادها و تنوعات و لایه‌های مختلف فرهنگ ایرانی هم توجه ویژه شده است. هم‌کیشی مبنای اصلی همبستگی ملی است و امت‌گرایی مقدم بر ملی‌گرایی سیاسی است. در قانون اساسی کشورمان به سه پاره هویت ملی توجه شده است، هویت جمعی ایرانی، هویت جمعی اسلامی و هویت جمعی انسانی (فاضلی، ۱۴۰۰)

در سده اخیر در ایران هویت مقوله مهمی بوده است و جریان‌های مختلف بنا بر ریشه‌ها و آبشخورهای فکری خود به آن پرداخته‌اند. اهمیت مسئله هویت در ان است که هرگونه پیشرفت و توسعه بر بستر آن امکان‌پذیر می‌شود و اگر جامعه و ملتی هویت مستقل و منسجمی نداشته باشد نمی‌تواند مراحل پیشرفت را طی کند.

در جریان انقلاب مشروطه که مسئله هویت ایرانی در جهان نو در کانون مباحث قرار داشت روشنفکران غربگرا ابتکار عمل را به دست داشتند و می‌خواستند هویت ایرانی را براساس فرهنگ پیش از اسلام و سازگار با اندیشه‌های غربی تعریف و تبیین نمایند. تلاش این روشنفکران با مقابله شماری از علمای شیعه مواجه شد و این تقابل در جریان انقلاب مشروطه به شکل تقابل سنت و تجدد یا مشروطه و مشروعه رخ نمود. این بحث و تقابل در دوره پهلوی اول و دوم هم ادامه داشت و با نفوذ روزافزون فرهنگ غرب در ایران و همپنین جولان اندیشه‌های چپ در فضای فکری و مبارزاتی ابعاد تازه‌ای پیدا کرد. وقوع انقلاب اسلامی و تبیین هویت اسلامی-ایرانی مسئله هویت‌یابی ایرانیان در عصر مدرن را تا حدودی حل کرد اما جریان‌های معارض و واگرا همچنان معتقد به وجود بحران هویت در ایران بودند و پیرامون آن به نظریه پردازی ادامه می‌دادند.

در دهه‌های اخیر و به ویژه در یک دهه گذشته با توجه به تحولات سیاسی منطقه‌ای و جهانی مرتبط با ایران بار دیگر مسئله هویت ایرانی مورد توجه جریان‌های مختلف قرار گرفته و بر بستر مشکلات اقتصادی و معیشتی هویت مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی به چالش کشیده شده است. در این مقطع بحث هویت ایرانی، با فرض وجود بحران هویت در جامعه امروز ایران پیش کشیده می‌شود. این فرض زائیده این برداشت است که گفتمان انقلاب اسلامی به بن‌بست رسیده و نتوانسته در برابر گفتمان‌های دیگر و به ویژه فرهنگ غرب موقعیت خود را حفظ کند. همه بحث‌ها و نظریه‌هایی که در زمینه موضوعات اعتقادی، تاریخی، اقتصادی و اجتماعی در سال‌های اخیر از سوی جریان‌های معارض و واگرا مطرح شده است، در واقع با هدف تضعیف هویت اسلامی ایرانی برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی و جایگزینی آن با هویت‌های مجعول بوده است. در این جا ما نه با بحران هویت بلکه با جنگ هویت‌ها مواجه هستیم و درک ابعاد این تقابل نرم اهمیتی حیاتی دارد.

نقطه آغاز بحث درباره مسئله هویت در ایران، پذیرش وجود بحرانی به نام بحران هویت بوده است. بنابراین هر کندوکاوی در خصوص این مسئله منوط به بحث در این مورد و پذیرش یا عدم پذیرش وجود بحران هویت در جامعه ایران است که خود بحثی است درازدامن. در صورت عدم باور به وجود چنین بحرانی در ایران، مسئله به این شکل مطرح می‌شود که هویت امروز ایرانیان چیست، چه ویژگی‌هایی دارد و چه آسیب‌هایی آن را تهدید می‌کند؟ در صورت باور به وجود بحران هویت مسائل مختلفی پیش کشیده می‌شود از جمله این که علت بروز چنین بحران چه بوده. چگونه باید این بحران بر طرف شود؟ یا این که آن هویتی که قبلاً بوده چرا دچار بحران شده است؟

وقوع انقلاب اسلامی بحث پیرامون بحران هویت در ایران معاصر را بیش از گذشته در کانون توجه قرار داد به طور کلی یکی از علل وقوع انقلاب اسلامی و اقبال مردم به گفتمانی که حضرت امام خمینی ارائه کرد، مسئله بحران هویت بود. این مسئله در دهه گذشته متأثر از تحولات داخلی، منطقه‌ای و جهانی و همچنان محل بحث و نظریه‌پردازی بوده‌ها و فرهنگ‌های بیگانه مانع حل ریشه‌ای آن بر اساس گفتمان هویت‌ساز است نفوذ و هجوم اندیشه‌ها و فرهنگ‌های بیگانه مانع حل ریشه‌ای آن بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی شده است. در واقع بحران هویت در ایران بحرانی است که به ایرانیان تحمیل شده و همه تلاش جریان‌های ناسازگار با گفتمان انقلاب اسلامی در این جهت بوده و هست که از هویت‌یابی ایرانیان براساس گفتمان مذکور جلوگیری شود. به نظر می‌رسد بحران هویت در ایران امروز به دلیل بی‌هویتی نیست بلکه برآمده از بلا تکلیفی در یک فضای چندهویتی است. نسل جوان در ایران با هویت‌های ایرانی، اسلامی و غربی مواجه است بدون آنکه توان تشخیص و تعمیق در هر یک از آنها را داشته باشد. در کنار همه این‌ها جهانی شدن نیز بحران هویت را تشدید کرده است ان هم در زمانه‌ای که گسترش ارتباطات مرزهای میان کشورها را تضعیف کرده است.

بحران هویت با فرهنگ نخبگان و توده مردم به صورت احساسات ملی در مورد سرزمین خویش ارتباط دارد و تعارض میان وفاداری‌های قومی و تعهدات ملی را تشدید کرده، مشکلاتی را برای وحدت و یکپارچگی پدید می‌آورد. بحران هویت در ایران از عوامل محیطی و بین‌المللی برانگیخته شده است. هر چند که عوامل داخلی و عملکرد نظام‌های سیاسی را نمی‌توان نادیده گرفت. هویت و فرهنگ ایرانی در مقاطع مهم تاریخی مورد هماوردجویی تمدن و فرهنگ یگانه قرار گرفته و دچار بحران شده است. در تاریخ معاصر چالش مهم در مقابل هویت ایرانی با نفوذ همه‌جانبه کشورهای غربی در ایران تجلی می‌یابد. هویت فرهنگی ایرانی و اسلامی در یکصد و پنجاه سال اخیر و در نتیجه ضربه‌های ناشی از برخورد با تمدن مغرب زمین اصالت خود را در خطر دید و در ایمان افراد نسبت به آن تزلزل به وجود آمد. در این مقطع هویت ایرانی با تهاجم همه‌جانبه فرهنگ بیگانه که از جهات گوناگون اقتصادی، سیاسی، علمی، هنری، عقیدتی و ایدئولوژیک صورت می‌گرفت مواجه و مورد تهدید واقع شد. جریان‌های معارض گفتمان انقلاب اسلامی در وهله نخست تاکید می‌کند هویت اسلامی امکان تحقق ندارد در این راستا ادعا شده است که دو چهره برجسته شیعه، آیت الله بروجردی و آیت الله خویی مبین رویکرد سنت‌گرایی بودند که تمایلی به سیاست نداشتند و در نتیجه به هویت‌سازی هم نمی‌پرداختند. در کنار این جریان، سنت‌گرایان دیگری بودند

مانند داریوش شایگان و سیدحسین نصر که از جنبه‌های دیگر نظرات خود را مطرح و فرهنگ شرق را در برابر فرهنگ غربی معرفی و تحلیل می‌کردند و بحث هویت را دامن می‌زدند. شایگان تا پیش از انقلاب اسلامی آسیا را در برابر غرب قرار می‌داد اما بعد از انقلاب و با تجربه حکومت اسلامی دیدگاهش را تغییر داد و سخن از آسمان‌های متکثر جهان به میان آورد و هویت چهل تکه را مطرح کرد. رضا داوری اردکانی و هواداری او از هویت اسلامی مورد انتقاد جریان‌های تلفیق‌گرا قرار داشته است. داوری اردکانی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بر مبنای ایده غربزدگی به نقد غرب پرداخت و انقلاب اسلامی به مثابه آغاز دوره‌ای در برابر مدرنیته غرب تلقی کرد. از نظر داوری اردکانی غرب یک کل است که دچار نیست انگاری و پوچی و نفسانیت شده است و نمی‌توان از اجزای آن استفاده مفید برد و باید در برابر آن یک هویت اسلامی ساخته شود. منتقدان داوری می‌گویند او پیش از انقلاب اسلامی دیدگاهی سختگیرانه نسبت به غرب نداشت و معتقد بود که نمی‌توان از غرب کناره گرفت و نسبت به آن بی‌تفاوت بود. باری در بحث هویت ایرانی، روشنفکران سکولار بر هویت پیش از اسلام ایرانیان و تلفیق آن با اندیشه و فرهنگ غربی در برابر هویت اسلامی و دینی تاکید می‌کرده‌اند. تاکید روشنفکران بر فرهنگ پیش از اسلام به معنی باستانگرایی نبوده بلکه منظور ایشان فاصله انداختن میان هویت ایرانی و اسلام و در واقع تبیین هویت ملی سکولار است. از این روی ایشان به جای تاکید بیش از اندازه بر فرهنگ پیش از اسلام به هویت‌های متنوع و متکثر فرهنگ ایران توجه کرده‌اند. تشتت آرا و نظرات در باب هویت‌یابی در عصر مدرن حاصل بهام در بان مسئله و نفوذ جریان‌های بیگانه در فضای فکری ایران بوده و هست. مادامی که مسئله به طور دقیق و از جنبه‌های مختلف تبیین نشده باشد نمی‌توان به بحثی همه‌جانبه و متعادل در این زمینه رسید. هم‌چنین بدون در نظر داشتن مولفه‌های هویت ساز بومی انتظار تبیین هویت ایرانیان در عصر مدرن را نمی‌توان داشت. یکی از علل وقوع انقلاب اسلامی سیر حرکت مردم مسلمان ایران برای حل مسئله هویت در جهان معاصر بود و گفتمان انقلاب به عنوان ک گفتمان هویت ساز توانست از مسائل هویتی ایرانیان را تا حدودی بر طرف کند.

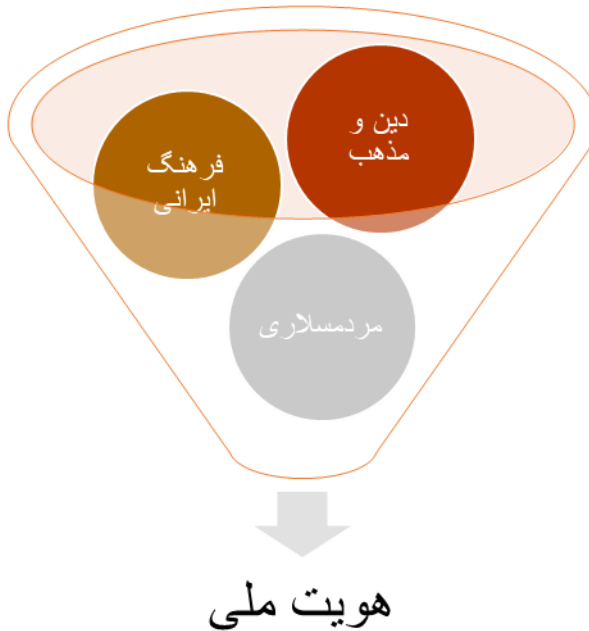
با این همه در سالهای پس از انقلاب به ویژه در دهه اخیر جریان‌های معاررض و واگرا همواره در پی تخطئه هویت برآمده از این گفتمان بوده‌اند و بر این ساس بر وجود بحران هویت در جامعه ایرانی تاکید کرده‌اند در حالی که هویت مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی نه تنها دچار بحران نیست و هم چنان نافذترین و منسجم‌ترین هویت برای جامعه ایران است. جریان‌های مذکور بحران فکری

خود در تبیین هویت برای ایرانیان را به هویت موجود متناسب می‌کنند و در واقع بحران گفتمانی خود را بحران هویت جا می‌زنند. هدف این جریان‌ها آن است که با تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و حذف اسلامی سیاسی از هویت ایرانی، خلایی در هویت ایرانیان ایجاد کرده و سپس آن خلأ را با ایدئولوژی مطلوب خود پر کنند و از این طریق شکاف دولت و ملت را دامن زده و جامعه را در مقابل حاکمیت اسلامی قرار دهند.

### نتیجه‌گیری

در این راستا جریان‌هایی مانند روشنفکران سکولار و دینی و نواندیشی دینی، ملی‌گرایی و ایران‌شهری، ملی‌مذهبی کوشیده‌اند هویت ایرانی را مطابق مبانی فکری و اهداف مورد نظر خود بازتعریف کرده‌اند با جعل‌هویت در برابر هویت موجود نسل جوان را از گفتمان انقلاب اسلامی منفک کنند. نکته مهم و قابل ذکر این است که اگر گفتمان انقلاب اسلامی در مقوله هویت‌سازی برای نسل جوان هویت‌ساز نشود و محتوای مناسب برای حفظ و تعمیق هویت برآمده از آن ارائه نگردد جریان‌های واگرا موربانه‌وار در این مقوله فعالیت کرده و دور از انتظار نیست که در سال‌های آینده نسلی شکل بگیرد که یا درگیر بحران هویت است یا هویت متفاوتی برای خود برگزیده و تسلیم هویت بیگانه شده است. با توجه به مسائل به وجود آمده و فراز و فرودهای بحث هویت ملی در طول یک سده اخیر می‌توان هویت ملی را دارای سه رکن یا بعد اصلی قلمداد کرد. ۱. ایرانیت ۲. دین و مذهب ۳. مردمسالاری

توجه به یک یا دو بعد بدون توجه به سایر ابعاد موجبات به وجود آمدن بحران را فراهم می‌سازد. توجه به مسائل فرهنگ ایرانی بدون توجه به دین و مردمسالاری و توجه به دین بدون توجه به فرهنگ ایرانی و مردمسالاری بستری را برای بحران هویت ایجاد می‌کند. تجلی این سه بعد را می‌توان در شعار استقلال آزادی و جمهوری اسلامی به عینه ملاحظه کرد که هم نشان از فرهنگ ایرانی و استقلال دارد و هم نشان از مردمسالاری و هم اسلامی بودن این مردمسالاری. این سه بعد مانند ریشه‌های یکپارچه یک درخت به نام هویت ملی هستند و به واقع در طول دوران در هم تنیده هم شده‌اند.



شکل ۳: مدل هویت ملی

### پیشنهادات

با توجه به نتایج تحقیق به نظر می‌رسد باید برنامه‌هایی برای توسعه در هر سه زمینه دین، فرهنگ ایران و مردمسالاری به طور همزمان تدوین و اجرا شود. به یک معنا سه مولفه به دست آمده از هم مستقل نبوده و با هم درخت تناوری هویت ملی را بارور می‌کنند. افتادن به دام تعارض بین دین و ایرانیت و توجه به یکی و بی‌توجهی به دیگری که در دوران‌ها مختلف انجام شده است و یکی را علیه دیگری و در تعارض با دیگری دانسته‌اند نتیجه‌ای جز خدشه وارد کردن به هویت ملی در بر نداشته و نخواهد داشت. از منظری دیگر آنگاه که جامعه ایرانی احساس کند در سیاست‌گذاری‌ها و تغییر قوانین بر اساس فرهنگ ایرانی-اسلامی نقش ایفا می‌کند بیشتر از گذشته در گرو این سرزمین و هویتش خواهد داشت. در زمینه مردمسالاری دینی و تاثیر آن بر هویت ملی کمتر تحقیقی انجام شده است و پیشنهاد می‌شود این موضوع به خصوص در آرا و اندیشمندان معاصر مورد بررسی قرار گیرد و تاثیر این شاخه بر هویت ملی بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

## منابع

- ابوالحسنی، سیدرحیم (۱۳۸۷). مولفه‌های هویت ملی با رویکردی پژوهشی، سیاست، ۳۸(۱)، ۱-۲۲.
- احمدپور، خسرو، سراج زاده، سیدحسین (۱۳۹۸). هویت ملی در ایران، مرور سیستماتیک مقاله‌های علمی - پژوهشی (۱۳۹۰-۱۳۹۵)، مطالعات ملی، ۲۰(۲)، ۳-۲۴.
- اسدی کویجی، علی اکبر؛ رهبر، عباسعلی (۱۴۰۰). مناسبات دین و سیاست در فهم هرمنوتیکی نصر حامد ابوزید، پژوهش سیاست نظری، ۱۵(۳۰)، ۱۸۵-۲۱۶.
- اسکینر، کوئیتن (۱۳۷۲). ماکیاولی، ترجمه‌ی عزت‌الله فولادوند، تهران، طرح نو.
- آشنا، حسام الدین (۱۳۸۸). سیاست فرهنگی ایران در دوره رضاخان، درآمدی بر ریشه‌های انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات سروش، چاپ دوم
- اصیل، حجت‌الله (۱۳۸۸). رساله‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله (گردآوری) تهران: نشر نی، چاپ دوم
- الهی منش، محمدحسن؛ مریدی، فاطمه (۱۳۹۲). حکومت و بحران هویت دینی در ایران، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۴(۱۶)، ۹۰-۱۰۶
- باطنی، محمدرضا (۱۳۳۳). زبان و تفکر، مجموعه مقالات زبان‌شناسی، تهران: نشر کتاب زمان، چاپ سوم
- پژوهش‌نیا، معصومه؛ جعفری، علی اکبر (۱۴۰۰). تجلی هویت ملی در اشعار فارسی کتیبه‌های دوره صفوی در شهر اصفهان (۱۰ تا ۱۲)، مطالعات ملی، ۲۰(۱)، ۴۹-۷۰
- توسلی، غلامعباس؛ قاسمی، یارمحمد (۱۳۸۳). هویت جمعی و جهانی شدن، نامه علوم اجتماعی، ۱۱(۲۴)، ۲۶-۱
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). صورت و سیرت انسان در قرآن، قم: اسراء.
- حقیقت، صادق (۱۳۷۸). روش‌شناسی علوم سیاسی، قم، دانشگاه مفید.
- خان محمدی، یوسف؛ کاوه، مسعود (۱۳۹۸). تاثیر تبلیغات غربی بر امنیت جمهوری اسلامی ایران از طریق بحران هویت، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۱۰(۴۰)، ۵۴-۶۹
- خرمشاد، محمداقرا؛ کلاتر مهرجردی، علیرضا؛ صولتی، حسین (۱۳۹۷). گفتمان هویت ملی جریان ناسیونالیسم قبل و بعد از انقلاب اسلامی (با تطبیق اندیشه احمد کسروی و عزت‌الله سحابی)، جستارهای سیاسی معاصر، ۹(۱)، ۲۱-۴۸.
- داوودی، ابراهیم؛ ملکی، عباس (۱۳۹۳). بحران هویت و تاثیر آن بر امنیت فرهنگی و اجتماعی در ایران، مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی، ۹(۳۰)، ۱۷-۳۱

- ذاکری، مختار؛ شیروانی شیری، علی (۱۴۰۱). تحلیل محتوای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر مبنای مولفه‌های هویت آفرین اسلامی-ایرانی، مطالعات ملی، ۲۳(۱)، ۳۳-۵۵
- رحمانیان، داریوش (۱۳۸۲). تاریخ علت شناسی انحطاط و عقب ماندگی ایرانیان و مسلمین (از آغاز دوره قاجار تا پایان دوره پهلوی)، تبریز: دانشگاه تبریز، موسسه تحقیقاتی علوم اسلامی-انسانی
- زهیری، علیرضا (۱۳۸۴). چیستی هویت ملی، علوم سیاسی، ۸(۲۹)، ۲۹-۵۰
- سلیمانی، غلامعلی؛ آزر می، علی (۱۳۹۶). ملی‌گرایی باستان‌گرا و بحران در هویت انسان ایرانی؛ بازخوانی پاسخ مطهری *مَنسان* پژوهی دینی، ۱۴(۳۷)، ۲۰۷-۲۲۳
- شعبانی، رضا (۱۳۹۴). ایرانیان و هویت ملی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- طاهری مقدم، سیدمحمد؛ بوچانی، ابراهیم (۱۳۹۴). میرزاملکم خان ناظم الدوله و تاملی بر اندیشه‌های آموزشی او، جستارهای تاریخی، ۱۶(۱)، ۷۳-۸۸
- عرفان، محمد داود؛ اطهری، سیدحسین؛ اسلامی، روح‌الله؛ نجف‌زاده، مهدی (۱۴۰۱). مولفه‌های اندیشه سیاسی مکتب هرات در منظومه فکری مولانا عبدالرمان جامی، پژوهش سیاست نظری، ۳۲(۱)، ۲۹۴-۳۶۵
- عسگری، محمد علی؛ مخبر دزفولی، فهیمه؛ فرهمند، یونس (۱۴۰۱). هویت ایرانی؛ نقد دیدگاه‌ها و ضرورت رویکرد تاریخی. تاریخ و تمدن اسلامی، ۱۸(۱)، ۹۹-۱۲۴.
- علی‌قنبری، فرج‌الله، طاهریان، محمدرضا، اعتمادی بزرگ، امیر (۱۳۹۳). تجددگرایی در ایران معاصر، مطالعه موردی اندیشه میرزاملکم خان ناظم الدوله، جستارهای سیاسی معاصر، ۵(۳)، ۱۳۰-۱۵۰.
- فاضلی، حبیب‌اله (۱۴۰۰). مجلس خبرگان قانون اساسی و گفتمان هویت؛ اصالت هویت مکتبی و اعتبار هویت ملی، رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۵(۵۷)، ۳-۲۲.
- فدایی مهربانی، مهدی؛ معینی، امین (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی اندیشه میرزاملکم خان و جلال آل احمد، از تجددگرایی تا هویت ایرانی-اسلامی، سیاست، ۴۷(۳)، ۷۰۵-۷۱۹.
- کریمی، مانده؛ فاضلی، حبیب‌الله (۱۴۰۰). برساختن هویت ملی در بلژیک: سیاست آموزشی در مدارس دوره ابتدایی، مطالعات ملی، ۲۲(۳)، ۱۳۱-۱۵۸.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۷). تکوین جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران با تاکید بر دوره صفوی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- مرادی، رامین، خان محمدی احسان (۱۳۹۹). بررسی وضعیت دینداری جوانان شهر سرپل ذهاب و برخی عوامل مرتبط با آن، جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۱(۷۷)، ۱۰۹-۱۳۲.

- مرتضوی، سیدخدایار (۱۳۸۸). کاوشی در روش‌شناسی تاریخ‌اندیشه‌های سیاسی (مطالعه موردی: نقد اسکینر بر روش‌شناسی قرائت‌متنی)، سیاست، ۳۹(۱)، ۲۸۵-۳۰۴.
- مظفری، محمدحسین (۱۴۰۰). روح سرگردان، بازخوانی روایت شهید مطهری از ملیت ایران، اسلام و مطالعات اجتماعی، ۸(۳۴)، ۹-۳۳.
- منصور نژاد، محمد (۱۳۸۵). دین و هویت، تهران: موسسه مطالعات ملی.
- نجفی، موسی؛ حسینی، سیدرضا (۱۳۹۴). نقش پیش‌فرض‌ها در شکل‌گیری مبانی نظری هویت ملی، جسارهای سیاسی معاصر، ۶(۴)، ۱۴۷-۱۶۰.
- نجفی، موسی (۱۳۹۳). هویت‌شناسی، اصفهان: نشر آرما.
- نظری مقدم، جواد (۱۴۰۱). مدارا و تساهل مذهبی ایرانیان در مواجهه با اقلیت‌های دینی به مثابه یکی از شاخص‌های هویت ملی، مطالعات ملی، ۲۳(۲)، ۳۱-۵۰.
- Appiah, A. k., (2005), *The Ethics of identity* Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Goodhart, Michael (2010) *theory in practice*, Quentin skinner's *Hobbs, Reconsidered The review of politics*, Vol. 62, No. 3.
- Hartgen, K. & Opfinger, M. (2012) "National Identity, and Religious Diversity." *Research Paper in Economics*, 7 (12): 346-367.